

## تحلیلی بر جغرافیای سیاسی دولت ماد بر اساس منابع نوشتاری و داده‌های باستان‌شناختی

### چکیده

از آنجا که پیگیری بسیاری از مفاهیم جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک نیازمند رهیافتی تاریخی است، شکل‌گیری مفاهیمی همچون دولت، سرزمین، کشور و قدرت نیازمند مطالعه عمیق تاریخی است تا بتوان این مسائل را ریشه‌یابی کرد. دانسته‌های ما پیرامون جغرافیای سیاسی مادها بر اساس منابع نوشتاری و یافته‌های باستان‌شناسی است. مهم‌ترین منبع نوشتاری در این زمینه گزارش‌های شاهان آشوری است. داده‌های باستان‌شناسی نیز تا حدی بیانگر تراکم محوطه‌های مادی در حوزه ماد مرکزی (منطقه شمال زاگرس) هستند و در دیگر مناطق ایران محوطه‌های مادی به صورت پراکنده بدست آمده‌اند. آنچه مسلم است قلمرو مادها به آن اندازه‌ای که در برخی منابع معاصر بیان شده نبوده و در ثانی گسترش قلمرو آنها در مقطع خاصی از تاریخ - پس از فروپاشی قدرت آشور - امکان‌پذیر شده است. در مورد مفهوم «امپراطوری» نیز باید گفت که قدرت‌های سیاسی فرمانطقه‌ای به طور نسبی به طبقات مختلفی قابل تقسیم‌اند و مادها می‌توانسته‌اند در مرحله‌ای از پیشرفت سیاسی از ساختار قبیله‌ای به سوی یک دولت فراگیر در فلات ایران باشند. در این تحقیق سعی شده تا به همه این مباحث در تعیین دقیق گستره دولت ماد توجه شود. در این راه تطابق داده‌های باستان‌شناختی با منابع نوشتاری تاریخی بسیار مهم به نظر می‌رسد. قلمرو سیاسی دولت ماد به آن اندازه که در منابع متأخر و برخی تحقیقات معاصر بیان شده است، وجود نداشته اما ساختاری سیاسی به نام «دولت ماد» واقعیت تاریخی دارد که آن هم تنها با اتکاء به منابع متقدم و نزدیک به دوره ماد قابل استناد است و یافته‌های علم باستان‌شناسی هیچ سندیتی در این زمینه ندارند و تنها صرف همزمانی داده‌ها با دوره عصر آهن III دلیل بر مادی بودن محوطه‌های دوره آغاز تاریخی در ایران قلمداد میشود.

**واژگان کلیدی:** دولت ماد، مرزهای ماد، منابع آشوری، محوطه‌های شاخص دوره ماد.

### درآمد

شود؛ از جمله این تحقیقات می‌توان به کتب گیرشمن (هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی)، دیاکونوف (تاریخ ماد) و فرانک هول (باستان‌شناسی غرب ایران) در خصوص مادها، و مقالات براون<sup>۱</sup> (1986; 1979)، جنیتو<sup>۲</sup> (1986)،

با وجود انجام تحقیقات متعدد در خصوص مادها در داخل و خارج ایران، متأسفانه تاکنون پنجره‌ای بر خانه تاریک «دولت ماد» گشوده نشده تا پرده از ابهامات آن برداشته

\* دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران  
(mehdizadeh\_behzad@yahoo.com)





ماسکارلا<sup>۱</sup> (1987)، خانم سانچسی - ویردنبرگ<sup>۲</sup> (1987; 1985; 1979)، مهرداد ملک‌زاده و کامیار عبدی اشاره کرد؛ و همچنان مشکل تطبیق منابع تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی مربوط به مادها، به قوت خود باقی مانده است (جنیتو ۱۳۷۷). در دورانی که مورد بحث است نام ماد (به ایرانی مادا) آنگونه که امروزه این نام به تمام منطقه تاریخی<sup>۳</sup> مادی نامیده می‌شده، اطلاق نمی‌شده است؛ منظور از آن سرزمینی است که از غرب به رشته کوه‌های زاگرس، از شمال به رود ارس و کوه‌های البرز، از شرق به دشت کویر، از جنوب به عیلام و از شمال شرق به مناطق جنوبی ترکمنستان محدود می‌شود (دیاکونوف ۱۳۸۷: ۹۳). در گزارش‌های باستان‌شناسی محوطه‌های زیادی به مادها نسبت داده شده و ملاک انتساب بیشتر مبتنی بر قرارگیری این محوطه‌ها در بازه زمانی عصر آهن III بوده است و شامل مناطق همدان، ملایر و کنگاور که شامل نوشیجان تپه، گودین تپه و بابا جان تپه می‌شود که تشکیل مثلث مادی را می‌دهند. از سوی دیگر تمامی محوطه‌های شناخته شده از عصر آهن III در فلات ایران به مادها نسبت داده می‌شوند، در حالیکه ما در این دوره با انبوه اقوام و قبایل روبرو هستیم که هر کدام ساختارهای سیاسی متعلق به خود را داشته‌اند و طی قرن‌ها سرزمین ایران را برای اسکان دائمی خود انتخاب کرده بودند. این مسأله بدین معنا نیست که هیچ کدام از این محوطه‌ها مادی نیستند، بلکه باید در اطلاق عنوان «قلمرو ماد» به آن‌ها با دید بازتری نگاه شود و همه مؤلفه‌های فرهنگ دوره ماد در آن‌ها به صورت یک مجموعه در نظر گرفته شود. این مسأله از آن جهت مهم است که داده‌های باستان‌شناسی با منابع مکتوب اختلاف نظر بسیاری دارند.

### نگاهی به پیشینه تاریخی مادها

مادها را جزء موج سوم مهاجرانی می‌دانند که از مناطق

شمالی (سیبری یا آسیای مرکزی) به ایران آمده‌اند (سرفراز و فیروزمندی ۱۳۸۶: ۱۵). نخستین بار در منابع آشوری (شلمنصر سوم) به سال ۸۷۳ ق.م. به اسم «آمادای» یعنی مادها اشاره شده است (دیاکونوف ۱۳۸۷). بر اساس داده‌های جدید باستان‌شناسی منطبق بر همدان و بخشی از کرمانشاه فعلی می‌شود. از ساختار اداری و سیاسی دولت ماد اطلاع زیادی در دست نیست، اما آنچه از منابع استنباط می‌شود این است که ساختار سیاسی قبایل مادی به این شکل بوده است که هنگام احساس خطر با هم متحد می‌شدند و در زمان صلح و آرامش در قلمرو جغرافیایی خود به زندگی ایلی ادامه می‌داده‌اند. ظاهراً پایتختشان هگمتانه بوده و خویشاوندان شاه به عنوان حاکمان مناطق تابعه آن‌ها بودند (لوین ۱۳۸۶: ۴۵۷). سالنامه سارگون دوم (۷۲۱-۷۰۵ ق.م.) از برخوردهای نظامی بوجود آمده بین ۲۲ قبیله مادی با یکدیگر خبر می‌دهد که بر این اساس مادها را دارای حکومت فنودالی و خان‌تباری ذکر می‌کنند. این نوع نظام بازتاب نوعی حکومت توافقی و پدرسالارانه است و رهبران این قبایل به صورت شورایی به قدرت می‌رسیده‌اند (Lie 1929: 114).

حکومت‌های همسایه ماد در منابع نوشتاری تحت نام آشوری‌ها، بابلی‌ها، عیلامی‌ها، اورارتوها، ماناها، ایلی‌ها و سیت‌های قفقاز آمده‌اند (دیاکونوف ۱۳۸۷: ۶۷). در مورد همسایگان مادها این نکته مطرح است که مادها با کدام یک از این حکومت‌ها برخورد نظامی داشته‌اند و زمان سقوط قطعی هر کدام چه تاریخی است، زیرا در ترسیم قلمرو مادها نکته مهمی به شمار می‌رود. چرا که با بررسی تاریخ دقیق و محدوده دقیق‌تر تحت حکومت آن‌ها، می‌توان به نتایج بهتری در خصوص قلمرو دولت ماد رسید. در قرن ۷ ق.م. لیدی‌ها تا مرکز و قسمتی از شرق ترکیه حضور سیاسی و فرهنگی داشته‌اند (فیروزمندی و رضایی ۱۳۸۷: ۴۷). در این قسمت نیز حضور مادها بعد از سال ۵۸۵ ق.م. (تاریخ پایان نبرد ماد و لودیه) قابل بحث است. در مورد عیلام گزارشی مبنی بر فتح آن توسط مادها در دست نیست. عیلامیها نیز مانند سکاها و ماناها یکی از حکومت‌های همسایه ماد بودند که در دوره هخامنشیان تابع این دولت می‌شوند، چرا که هسته اصلی

۱- Muscarella

۲- Sancisi-Werdenburg

۳- منظور از قلمرو تاریخی یا منطقه تاریخی اشاره به نظریاتی است که بر اساس و به استناد منابع نوشتاری نزدیک به دوره ماد مطرح است که البته این نظریات امروزه به کل دگرگون شده‌اند و برخی از آن‌ها به کل مردودند که در این مقاله به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

دولت هوخشتره و آستیایک خاص ماد بوده و بقیه اکثرأ سرزمین‌های تابعه بوده‌اند<sup>۱</sup> (دیاکونوف ۱۳۸۷: ۶۶). سکاها نیز در قفقاز سرنوشت تاریخی خود را با مادها گره زده بودند و از اقوام تابعه ماد محسوب می‌شدند؛ اگرچه توسط هوخشتره مادی مغلوب شدند اما همچنان به عنوان قومی تابعه در این منطقه باقی ماندند، زیرا که توانایی نظامی آن‌ها در جنگ‌ها موجب قدرت بیش‌تر مادها می‌شد و مادها نمی‌توانستند از این نیرو صرف نظر کنند.

### منابع نوشتاری مرتبط با مادها

تاکنون هیچ کتیبه یا نوشته‌ای از خود مادها به جا نمانده است؛ بنابراین آگاهی‌های ما در این زمینه محدود به نوشته‌های اقوام و حکومت‌هایی است که هر یک به نوعی با مادها در ارتباط بوده‌اند (سرفراز و فیروزمندی ۱۳۸۶: ۱۲۰). تنها آثار خط و نگارش مادی عمدتاً مربوط به تک کلماتی است که از کتیبه‌های هخامنشی استخراج شده‌اند و به هیچ وجه گویای زبان خاص مادها نیستند. از جمله منابعی که در آن‌ها به مادها اشاره شده می‌توان به متون آشوری، یونانی و بابلی اشاره کرد که در نتیجه تصادمات نظامی خود با مادها، روند برخوردها و مسائل روی داده در این خصوص را مکتوب کرده‌اند. علاوه بر این برخی منابع نزدیک به مادها نیز به صورت جسته و گریخته از مادها نام برده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به گزارش‌های هرودوت (هرودوت ۱۳۳۶: بند ۱۰۶-۹۵)<sup>۲</sup>، کتیبه بیستون (ترجمه: Luckenbill 1927; kent, 195)، گزارش‌ها سارگن دوم (Lie 1929) اشاره کرد. البته این منابع نیز به علت دشمنی با مادها، عمدتاً برداشت‌های سیاسی خود را داشته‌اند و به سختی می‌توان به روایات آن‌ها اعتماد کرد. در مورد روایات هرودت باید گفت که روایات و گاهنگاری وی در مواردی گمراه کننده است و محققان را در درک برخی مسائل مربوط به مادها دچار شک و تردید می‌کند (هلم، ۱۳۸۳: ۱۲۰). در خصوص شرایط و وضعیت تشکیل

حکومت مادها، گزارش‌هایی از هرودت در دست است ولی همانطور که هلم (۱۹۸۱) نشان داده این داستان پر از عناصر فرهنگ عامیانه است؛ بنابراین در خصوص هرودت یا باید بخشی یا همه شرح هرودت را بپذیریم و یا به همان اطلاعات اندک از پادشاهی ماد بسنده کنیم (لوین ۱۳۸۶: ۴۵۶).

البته برخی مورخین براساس استنباط خود از منابع متقدم و متأخر مادی از جمله هرودوت، کتیبه بیستون و منابع آشوری سرزمین وسیعی را تحت عنوان قلمرو پادشاهی ماد آورده‌اند که امروزه با کشفیات جدید علم باستان‌شناسی بسیاری از آن‌ها مورد تردید جدی قرار گرفته است؛ بر همین اساس مورخین مناطق ارمنستان، ملیتین و اورارتو (در غرب و شمال غرب ایران)، درنگیان، مکران و پارت (در شرق ایران)، سکاها و کاسپیان (در شمال ایران)، هرات (در شرق ایران) و قبایل نیمه مستقل پونت (در آسیای صغیر) را جزو قلمرو پادشاهی ماد عنوان کرده‌اند (دیاکونوف ۱۳۸۷: ۶۷). به این لیست باید ماد مرکزی یا زاگرس شمالی خاستگاه مادها را نیز اضافه کرد. با توجه به اینکه آثار منسوب به مادها بیش‌تر در قسمت غرب ایران و در زاگرس مرکزی بدست آمده و بیش‌تر این ایالات فهرست شده در شرق ایران قرار دارند، بنابراین باید در انتساب آن‌ها به مادها دلایل قطعی از یافته‌های باستان‌شناسی و اسناد تاریخی ارائه کنیم، در غیر این صورت می‌بایست بسیاری از آن‌ها را به عنوان داده‌های خام تاریخی در نظر بگیریم. بنابراین برای درک بهتر جغرافیای سیاسی مادها باید به مسائل مطرح در جغرافیای سیاسی و ویژگی‌های قومی هر منطقه (تنوع قومی) توجه کنیم و نباید دلایلمان صرفاً بر مبنای تاریخگذاری بر اساس سفال‌ها و فضاهای معماری باشد، چرا که در اینصورت نتایج ما بسیار قابل تردید خواهند بود.

بحث دیگر در این زمینه، مسأله تاریخگذاری نبرد ماد و لودیه است. این نبرد از آن جهت مهم است که مرزهای دولت ماد در قسمتی از نوار غربی و شمالی غربی آن را مشخص می‌کند. مسأله تاریخگذاری در کتاب تاریخ هرودوت در بندهای ۱۷ و ۱۶ آمده است. در کتاب هرودوت در تاریخگذاری جنگ لودیه و فتح آشور توسط مادها تناقضاتی وجود دارد (هرودت ۱۳۳۶: بندهای ۱۳۰-

۱- در بحث جغرافیای سیاسی تابعیت یک دولت به معنای تابعیت آن در مسائل سیاسی منطقه است و نباید با قلمرو سیاسی اشتباه گرفته شود.  
۲- به نظر می‌رسد گزارش هرودت نوعی برداشت آزاد از کتیبه بیستون است که در شهرهای یونانی به نسخه‌ای از این کتیبه دست یافته است؛ چرا که خود داریوش اظهار می‌دارد که: "این کتیبه را (منظور نسخه‌هایی از آن را) به سراسر ایالت‌ها فرستادم..." (کتیبه بیستون: بند ۷۰).





۹۵). هرودوت نبرد ماد و لودییه را مقدم بر برافتادن آشوری‌ها می‌داند، اما این نظر منطقیاً بعید است، چرا که پیش از نابودی آشور عملاً برخورد مستقیم میان مادها و لودی‌ها غیرممکن بوده. جدا از این، مادها تا زمانی که درگیر جنگ با دولت آشور بودند، قدرت نظامی لازم برای نبرد در چند جبهه همزمان را نداشتند. مسأله دیگر زمان اتمام این نبرد است. در خصوص زمان خورشیدگرفتگی نظرات متعددی مطرح است، اما نظریه منجمانی همچون بیدل بریتانیایی، شلاختر و گینتسل همان سال ۵۸۵ ق.م. را تأیید کرده‌اند (ملک‌زاده ۱۳۸۱: ۸۱). بدیهی است که قبل از این تاریخ (۶۱۴ ق.م.) قلمرو سیاسی مادها به محدوده‌ای در زاگرس شمالی و شمال مرکزی محدود می‌شد چرا که هنوز دولت‌های آشور، اورارتو و چندین دولت کوچک در منطقه حضور سیاسی دارند؛ پس چطور می‌توان با وجود این دولت‌ها مرزهای سیاسی گسترده‌ای برای مادها در این تاریخ قائل شد؟

### متون آشوری

مهم‌ترین منبع در این زمینه کتیبه‌های سلطنتی دوره آشور نو است. این کتیبه‌ها همزمان با رخداد‌های دوره ماد هستند، ولی منشأ آن‌ها به جای خود ایران، در ناحیه مجاور آن است. کتیبه‌های مربوط به ایران در زمان فرمانروایی شالمانسر سوم (۸۵۸-۸۲۴ ق.م.) آغاز می‌شود و تا پایان فرمانروایی آشور بنی پال (۶۶۸-۶۲۷ ق.م.) ادامه می‌یابد. در این میان دوران شالمانسر سوم، تیگلات پیلسر سوم و سارگون دوم بیش‌ترین اطلاعات را در خصوص مادها بدست می‌دهند (لوین ۱۳۸۶: ۴۵۰). آنچه منابع آشوری از مادها بیان می‌کنند، شامل قلمروهای کوچک بسیاری است که در امتداد زاگرس و در امتداد جاده خراسان بین لرستان و کردستان حضور دارند و آشوری‌ها با آن‌ها برخورد داشته‌اند. در این منطقه آشوری‌ها بیش‌تر گروه‌هایی که با آن‌ها روبرو می‌شدند را «ماد» می‌نامیدند، اگرچه از نام‌های ویژه‌ای نیز استفاده شده است. از بیش‌تر این نام‌ها نمی‌توان دقیقاً منظور از «شهردار» و یا حتی «ماد» را دریافت (لوین ۱۳۸۶: ۴۵۱). سارگون در سالنامه ۷۱۶ ق.م. به اسم ۶ ناحیه با عناوین آرانزشو، بیت راماتو، اوریکاتو، سیکریس، شاپاردا و اوریباکو اشاره می‌کند. در

این نواحی وی توانسته بود ۲۸ حاکم وابسته به مادها را به دادن خراج مجبور کند (کلایس ۱۳۸۸). هر چند که داده‌های باستان‌شناسی بر همزمانی و همپوشانی برخی محوطه‌های مادی با حوزه‌هایی از پادشاهی ماد (به ویژه در شمال زاگرس) که در منابع آمده صحه می‌گذارند، اما برای ارائه یک نظر جامع کافی نیستند.

### شهرها و قلاع مادی در متون آشوری

شهرنشینی به عنوان یکی از نشانه‌های موجودیت سیاسی و قدرت سیاسی دولت‌ها در طول تاریخ حکومت‌ها مطرح بوده است. در مورد شاخص‌های «تاریخی» شهرنشینی عناصر طبیعی و فرهنگی مختلفی دخیل هستند که در شکل‌گیری یک شهر مؤثرند از جمله: تراکم جمعیتی کافی، مازاد نیروی انسانی و محصول کشاورزی، موقعیت جغرافیایی، تکنولوژی کشاورزی و سیستم حکومتی که در مورد مادها هیچ استقرار شهری با این خصوصیات وجود ندارد (نظریان ۱۳۷۲: ۱۲۰). تنها اشاره در این زمینه نقوش برجسته آشوری است. بر اساس حجاری‌های خورس‌آباد قلاع (به گفته منابع شهرها) مادی اغلب بر روی بلندی بنا شده‌اند (گیرشمن ۱۳۸۵: ۱۱۹). هیچ کدام از محوطه‌های مادی که تا به امروز بدست آمده‌اند، چهره‌ای از یک شهر با تمام ویژگی‌های آن را نمایان نمی‌سازند (با توجه به معیارهای تشکیل شهر در هزاره اول قبل از میلاد). عدم وجود یا کشف شهرهای مادی تا به امروز این نظریه را قوت می‌بخشد که احتمالاً مادها به آن بلوغ و قدرت سیاسی که در عصر آهن III در فلات ایران مد نظر ماست، نرسیده‌اند تا بتوانند با تکیه بر آن زمینه‌های «ظهور امپراطوری» خود را فراهم سازند (معمدی ۱۳۷۴). منابع شناسایی دژهای مادی نقوش برجسته آشوری و اورارتویی است. در نقوش برجسته آشوری قلعه‌ای بنام خارخار (به گمان تپه گیان نهند)، کیندائو، شیکرک (به گمان همان تپه سیلک کاشان)، کیشسیم (نزدیک اسدآباد همدان)، گنگوتو، شورگدیه، بیت بگیه (نزدیک بیستون)، کیشیلو و پزنی (به گمان زنجان امروزی) مطرح است (ملک‌زاده ۱۳۸۲: ۴۹). بر اساس نقوش اورارتویی نیز قلاع وان، توشیا، توپراک قلعه و عادل جواز شباهت‌های زیادی به دژهای مادی مکشوفه در

### مرز شرقی ماد

در این منطقه دربند کاسپی مرز بین ماد و پارت ذکر شده است و افراد زیر به این امر اشاره کرده‌اند: هکاتایوس میلستوس پدر جغرافیا، استرابون، بطلیموس، ایسیدروس خراکنوس در رساله جغرافیایی منازل پارسی، یاکوبی و هرتسفلد (ملک‌زاده ۱۳۸۰: ۱۵). اما از تصرف سرزمین پارت اطلاعی در دست نیست و در این قسمت منابع تنها به قسمت مرکزی فلات ایران و کویر نمک اشاره کرده‌اند. داده‌های باستان‌شناسی نیز در این منطقه نتوانسته‌اند محوطه‌ای مادی را شناسایی کنند.

### مرز شمال غربی و حوزه دریای کاسپین

بر طبق منابع تا اواسط قرن ۷ ق.م. (۶۵۰) شرق آناتولی، آذربایجان و قفقاز جزء قلمرو اورارتو بوده است (لوین ۱۳۸۶: ۴۵۲)، همچنان که در کتیبه‌های رازلیق و نشتبان در آذربایجان و سیسیان در ارمنستان آمده، اورارتوها در این مناطق قلاع مستحکمی ایجاد کرده بودند، بنابراین تا این تاریخ حضور سیاسی مادها در این نواحی منتفی است. به گفته پیوتروسکی مادها با کمک سیتها موفق به شکست اورارتوها در این ناحیه شده‌اند، بنابراین تا این تاریخ موجودیت سیاسی سیتها نیز در منطقه قفقاز جنوبی قطعی است (پیوتروسکی ۱۳۸۱: ۹۳). با تکیه بر اطلاعات کنونی هنوز نمی‌توان تحولات سیاسی را که در اواسط قرن ۷ ق.م. به بر چیده شدن اورارتوها از آذربایجان انجامید تبیین کرد. بنابراین در مادی و یا اورارتویی دانستن بسیاری از محوطه‌های عصر آهن III در شمال غرب ایران می‌بایست بسیار محتاط عمل کرد. در این خصوص کتزیاس افسانه‌ای را درباره جنگ بین مادها و ملکه سکا «زرینا» نقل می‌کند که منجر به فتح کشور سکاها توسط مادها می‌گردد (دپاکونوف ۱۳۸۷: ۶۸). اگر این افسانه مبنای تاریخی داشته باشد می‌توان سرزمین سکاها را در نواحی رود ارس جستجو کرد. در این منطقه نیز مشکل عمده، فقدان داده‌های باستان‌شناسی و نبود مدارک کافی از سرنوشت نهایی سکاها است.

### مرز غربی ماد بنام در

«در» نام مکانی در منتهای میان‌رودان است (نزدیک بابل

ایران بخصوص سیلک دارند. دژهایی نیز که در نتیجه کاوش‌های باستان‌شناسی بدست آمده‌اند در محوطه‌های سیلک، گودین تپه، نوشیجان تپه، باباجان (سرفراز و فیروزمندی ۱۳۸۶: ۳۱) و تپه ازبکی (مجیدزاده ۱۳۸۲) قرار دارند. البته باید گفت که این دژها مربوط به ربع نخست هزاره اول ق.م. - یعنی قبل از تشکیل حکومت مادها توسط دیاکو - هستند و از سرنوشت بعدی آن‌ها اطلاعی در دست نیست. آشوری‌ها فرمانروایان این دژها را شاه نمی‌خواندند، بلکه آن‌ها را «پل آلی» به معنی «ریش سفید ده» یا «کدخدا» می‌خواندند (لوین ۱۳۸۶: ۴۵۱)؛ ولی ما هیچ گونه آگاهی از محل دقیق این قلاع نداریم تا بتوانیم بر اساس آن‌ها بخشی از قلمرو سیاسی ماد را مشخص کنیم. بر اساس استل‌های خارخار و کیشسیم قلعه‌شهرهای خارخار، کیشسیم و آراسیاش در آغاز جزو مناطق آشوری بودند (مراکز اداری) و از سال ۶۱۲ ق.م. به بعد به سرزمین ماد افزوده می‌شوند. این ادعا را بر اساس دو استل به جا مانده از سارگون در کیشسیم و خارخار مطرح می‌کنند (کلایس ۱۳۸۸: ۲۱۵).

### کوه بیکنی در نوشته‌های آسارحدون

در نوشته‌های آسارحدون به کوه بیکنی<sup>۱</sup> (سنگ لاجورد) و سرزمین پاتوشارا (درحوالی دشت نمک) اشاره شده که جزو قلمرو مادها محسوب می‌شود؛ توپونیم پاتیشورا در منطقه مازندران در نزدیکی دماوند قرار داشته است. احتمالاً این توپونیم در زبان اکدی (پاتوش آرا) تلفظ می‌شده است. در این منابع به استخراج سنگ لاجورد از کوه بیکنی نیز اشاره شده است (کلایس ۱۳۸۸، ۲۳۰؛ کیناست ۱۳۸۴) اما محل دقیق آن مشخص نیست؛ در نوشته‌های تیگلات پیلسر سوم و سارگن تنها به این نکته اشاره شده که محدوده منطقه‌ای که اقوام ماد در آن ساکن بودند تا کوه بیکنی امتداد می‌یافت (کلایس ۱۳۸۸: ۲۳۱). ولی همانطور که اشاره شد داده‌های مادی بیش‌تر از غرب ایران بدست آمده‌اند و در خصوص شرق ایران باید منتظر نتایج کاوش‌ها و تحقیقات بیش‌تر بود.

۱- همان کوه دماوند در نزدیکی تهران (کیناست ۱۳۸۳: ۲۰۸).





قدیم و شهر بدره امروزی) (Herzfeld 1941: 177). برخی منابع منطقه مرزی میان ماد و بابل را «سیتاک» عنوان کرده‌اند که در متون تاریخی به به آن اشاره شده است، منطقه‌ای که نه بابل زمین است و نه مادستان، جایی میان ایندو که در متون متقدم یونانی و لاتین به کرات از آن یاد شده است (ملک‌زاده ۱۳۸۰). آنچه مسلم است مرز مادها در بین‌النهرین باستانی، بابل بوده است که هیچ گاه بدست مادها نیفتاده و این را نبوکدنصر دوم پادشاه بابل هنگام میانجیگری بین ماد و لیدی مطرح کرده و آن را یکی از انگیزه‌های میانجیگری خود اعلام می‌کند تا بابل از دست ماد دور بماند (جلیلیان ۱۳۸۳: ۲۱).

#### داده‌های باستان‌شناختی مرتبط با مادها

به دلیل کم توجهی که مورخین هنر خاور نزدیک باستان نسبت به مقولات اجتماعی - اقتصادی مانند تولید، صنعتگری، سفارش ساخت و سفارش‌دهندگان داشته‌اند، تا به حال اشیاء هنری دوره ماد تجزیه و تحلیل انتقادی نشده است. برای نمونه می‌توان به پوشاک مادها، شلوار بنددار مادی و دشنه کوتاه مادی اشاره کرد که در نقش تخت جمشید نشان داده شده‌اند اما هیچ تکه‌ای از آن پوشاک و یا دشنه مادی هرگز پیدا نشده است و تنها مواردی آن‌هم در مناطق بسیار دورتر از مرکز حکومت مادها به صورتی مشکوک یافت گردیده (جنیتو ۱۳۷۷: ۲۵). بر اساس مطالعه محوطه‌های شاخص مادی که نام آن‌ها در جدول ۳ خواهد آمد می‌توان مهم‌ترین صفات این محوطه‌ها را بیان کرد که در حقیقت نشانه‌ای از حضور سیاسی دولت ماد در قرون ۷ و ۶ ق.م. در ایران هستند:

- ۱- وجود سفال خاکستری ساده و نخودی با ذرات میکا<sup>۱</sup>
- ۲- صفه یا سکوی سنگی و خشتی ۳- نیایشگاه و آتشدان

۱- بررسی سفال منسوب به مادها در حقیقت تبیین سفال عصر آهن ۳ غرب ایران است که از نظر شکلهای ساخت و پراکندگی بر دوره پیشین (آهن ۲) برتری دارد (عبدی، ۱۳۷۳: ۱۹). چندین گونه سفالی جدید در این دوره بوجود آمده است که به طور مشخص متعلق به سبک سفالی یافت شده از مناطق دور دست جنوب در نوشیجان واقع در ماد می باشد از اینرو این سبک سفالی (سبک مادی) خوانده می شود. سفال غالب این دوره به دو نوع خاکستری ساده (نوع قدیمی) و نخودی (نوع جدید) است.

۴- سنجاق قفلی مفرغی ۵- تالار ستوندار و یا اتاق‌های ستوندار ۶- پنجره‌های کاذب ۷- انبارهای مستطیل شکل. آنچه قطعی است اینست که سبک‌های سفالی عصر آهن خبر از ورود مردمان جدید به ایران دارند (دایسون و یانگ ۱۳۸۸: ۴۸). اما تشخیص نوع حکومت و وضعیت سیاسی آن‌ها دشوار است. همه این آثار شاهی است بر ظهور غیرمنتظره انبوهی از تأثیرات خارجی که مادها در اوج تشکیل دولت خویش در تماس دائم با آن‌ها بوده‌اند (گیرشمن ۱۳۸۵: ۱۱۹). اشیاء یافت شده در لرستان نیز متعلق به مردمی جنگجو و سوارکار است و بدون هیچ پیوند عمیق با تمدن‌های ما قبل خود شکوفا شده است، اما اشیاء آن متعلق به قرون ۸ و ۷ ق.م. است و باید رد پای کیمریان، سکاه و یا الپیی‌ها را در این آثار جست (گیرشمن ۱۳۸۵: ۱۲۱). گنجینه جیحون نیز وضعیتی مشابه با هنر زیویه دارد و به مانند هنر زیویه نمی‌تواند ملاک تعیین مرزهای سیاسی باشد. البته هیچ تاریخگذاری مطلق در مورد آثار جیحون و زیویه صورت نگرفته و تا به امروز نیز به قوم خاصی منسوب نشده‌اند.

در محوطه‌هایی مثل حسنلو لایه مربوط به مادها بیش‌تر جنبه نظامی و اداری را بیان می‌کند، چنانکه در دوره اسلامی نیز محوطه حسنلو با کارکرد نظامی و اداری خود مورد توجه ایلخانان مغول بوده است. اما وضعیت هگمتانه متفاوت است. در خصوص هگمتانه هرودت در کتابش به مکانی اشاره می‌کند که مادها (دیوکس) در آن به امور قضایی و حقوقی جامعه رسیدگی می‌کرده‌اند (هرودت ۱۳۳۶: بند ۹۵)؛ بر اساس این گزارش به هیچ وجه نمی‌توان در مورد موقعیت جغرافیایی هگمتانه اظهار نظر کرد. احتمال می‌دهند که شهر همدان کنونی در پای کوه الوند همان هگمتانه باستانی مادها است، ولی یافته‌های باستان‌شناسی ما را در مکان‌یابی دقیق «هگمتانه مادی» یاری نمی‌کنند (ملک‌زاده ۱۳۷۶). در شیوه تاریخگذاری محوطه‌های عصر آهن II و III نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد؛ برای مثال می‌توان از محوطه مادی خوروین نام برد. واندنبرگ تاریخ ۹۰۰-۱۳۰۰ ق.م. (آهن II) را برای آن ارائه کرده است، ولی دایسون آن را به آهن III نسبت می‌دهد. اما محوطه‌های مثل نوشیجان و باباجان به طور قطعی به عصر آهن III منسوبند. بعضی

از محوطه‌ها مثل کرکنس داغ و الغ تپه در خارج از خاک ایران فعلی قرار دارند (Stronach & Roaf 1978; Fujii 1981) که بین آن‌ها و محوطه‌های مادی در ایران گسستگی فرهنگی وجود دارد و در نقشه ۲ این گسستگی را می‌توان مشاهده نمود. سامرز بر اساس کاوش‌های خود، کرکنس داغ را همان «پتریای مادی» آمده در کتاب هرودوت می‌داند اما تحقیقات بعدی نشان داد که مادی نیست و دارای آثار فریژی است (روف ۱۳۸۹: ۳۳).

گورستان‌های بسیاری نیز به آهن III منسوب است که اکثر آن‌ها بدون ارتباط با محوطه‌های استقرار هستند و تکیه بر آن‌ها در این زمینه گمراه کننده است. محوطه‌های جدول ۳ ترکیبی از نظریات و یافته‌های صاحب‌نظران و باستان‌شناسان در این حوزه است. اکثر محوطه‌ها با مؤلفه‌های معماری و هنری به دوره ماد منسوبند، برای مثال وجود انبارهای مستطیل شکل و پنجره‌های کور در بناهای عصر آهن III در غرب ایران را نوعی همسانی در معماری ایران در این زمان تلقی می‌کنند که البته به تنهایی نمی‌تواند شاخصه و مدرک باستان‌شناختی باشد و بایستی دیگر معیارهای معماری نیز در کنار آن، این همسانی را تأیید کنند<sup>۱</sup>. این در حالیست که مؤلفه‌های جدول بالا در خصوص وجود کتیبه‌ها، آثار مذهبی شاخص و شاخصه‌های جغرافیای سیاسی (مثل منازعات ارضی، تطابق کشور و ملت، تعلق مردم به مکان) اطلاعی به دست نمی‌دهند، حال آنکه در ترسیم جغرافیای سیاسی هر دولت و حاکمیتی ملاک‌های این چنینی مد نظر است و بر اساس آن‌ها به ارائه نظر در خصوص دولت‌های تاریخی می‌پردازند. یا در مورد هنر لرستان که عیسی بهنام آن را مربوط به مادها می‌داند (بهنام ۱۳۵۲: ۲)، صرفاً بر اساس نقش روی آن‌ها این قضاوت صورت گرفته و هیچ تاریخگذاری مطلق که با دیگر محوطه‌ها و شاخص‌های عصر آهن متعلق به مادها همخوانی داشته باشد، ارائه نشده است. محوطه زیویه وضعیت بهتری دارد، نزدیکی آن به هگمتانه مرکز اجتماع قبایل مادی و موقعیت سوق‌الجیشی آن در مصاف با آشور، مادی بودن آن را بسیار محتمل می‌دارد؛ قبل از مادها نیز ماناها بنا بر

گزارش منابع آشوری، این قلعه را در اختیار داشته‌اند و پس از آن‌ها بدست مادها افتاده است و با نام ایزیرتو یا ایزبیه مطرح بوده است (سجادی ۱۳۹۰: ۴۵). در مرز با اورارتو نیز در لایه‌های همزمان با آهن III حضور مادها، با کشف اشیاء نظامی قابل بررسی است. این مهاجمان به جای پیکان‌های آهنی از پیکان‌های برنزی کام‌دار (بدون زبانه) استفاده می‌کردند. این نوع پیکان در اکثر محوطه‌های اورارتویی مشاهده شده است. این مهاجمان ممکن است سکاها یا مادها باشند. در لایه‌های مادی محوطه‌های اورارتویی آثار آتش سوزی نیز دیده شده است که آن را با حملات مادها به محوطه‌ها و قلاع اورارتویی در ارتباط می‌دانند. در حوزه سفال نیز پیدایش سفال‌های منقوش موسوم به «ظروف مثلثی شکل» نشانگر تغییرات فرهنگی در این منطقه است. قدمت آثار معماری و بقایای سفالی مربوط به برهه انتقال از دوره اورارتو به ماد در اغلب موارد به طور مطلوب تعیین نشده است. اما تشابه معماری ماد با اورارتو و تاثیر هخامنشیان از اورارتوها در معماری بیانگر اینست که اورارتوها تا زمان ظهور هخامنشیان به حیات خود ادامه داده‌اند، هر چند قلمرو و قدرت آن‌ها محدودتر شده باشد (کلایس ۱۳۸۸: ۱۲۰).

### محوطه‌های خارج از مرزهای ایران فعلی

در محوطه الغ تپه در جنوب ترکمنستان حفاری‌های ساریاندی و ماسون از سال ۲۰۰۱ شروع شد و دوره‌های مختلف تاریخی مورد شناسایی قرار گرفت، از جمله عصر آهن که از این دوره فضاهای معماری و ظروف سفالی متعددی بدست آمده است. اتاقهای ستوندار الغ تپه مشابه نمونه‌های حسنلو IV، نوشیجان و گودین تپه هستند. چه به لحاظ تکنیک‌های ساخت و چه به لحاظ بازه زمانی (اواخر دوره ماد و اوایل هخامنشی) مشابه محوطه‌های فوق‌الذکر در قسمت زاگرس مرکزی هستند (Boucharlat et al. 2005: 485). حفاری‌های Fujii در تپه قبه عراق نیز نتایج مشابهی را نشان می‌دهد. وی آثار معماری تپه قبه را مشابه نمونه ایرانی و نوع یافت شده در جنوب ترکمنستان می‌داند (Fujii 1981: 149). به هر حال در صورت مادی بودن این محوطه‌ها یا قلاع، ابهام اصلی در خصوص خاستگاه فرهنگی و هنری آن‌هاست و

۱- در خصوص محوطه‌های نوشیجان، باباجان و گودین تپه این همسانی قابل اثبات است.



اینکه آیا این فرهنگ‌ها از داخل ایران گسترش پیدا کرده‌اند و یا ریشه در سرزمین‌های اصلی آن‌ها دارند (Boucharlat et al. 2005).

## تبیین و تحلیل مسائل مرتبط با جغرافیای سیاسی مادها

جغرافیای سیاسی به مطالعه ادعاها و منازعات انسانی درباره استفاده، شراکت و مالکیت زمین و منابع آن و مطالعه سازمان‌دهی سیاسی فضا و قدرت می‌پردازد (مویر ۱۳۷۹). در مورد دولت ماد این منازعات شامل ادعاهای ارضی حکومت‌ها از ملیت‌های مختلف است که در سرزمین ایران زندگی می‌کردند و منازعه بین کشورهای همسایه (آشور، اورارتو و سکاها). اساسی‌ترین پرسش درباره نزاع‌های رخ داده مربوط به مبنای زیست‌شناختی پدیده قلمروخواهی انسان است، قلمروخواهی و گونه‌های مختلف ابراز آن باید به عنوان وسیله‌ای برای نیل به یک هدف مشخص نظیر ادامه بقا، سلطه سیاسی و یا بیگانه ستیزی شناخته شود (شکوئی ۱۳۸۳: ۵۳) که برای مادها در ابتدا بیگانه ستیزی (آشور) و پس از سقوط دولت آشور، ادامه بقا بیش‌تر مصداق داشته است. در ادامه دو مفهوم مربوط به جغرافیای سیاسی مورد بحث قرار می‌گیرند:

۱- **تطابق فضایی میان کشور و ملت در دوره ماد:** گرچه یک حکومت مستقل صاحب جمعیتی است، اما این جمعیت ممکن است از بعد فرهنگی کاملاً نامتجانس باشد و برعکس یک ملت شامل مردمی می‌شود که با خصایص مختلف فرهنگی، سیاسی و تاریخی همچون زبان یا مذهب مشترک با یکدیگر پیوند داشته باشند؛ اما مهم اینست که عواملی نظیر تجارب مشترک، آمال مشترک و یا پیوندهای عاطفی با یک قلمرو مشخص موجب وحدت آن‌ها شده باشد (مویر ۱۳۷۹). حال سؤال اینست که برای دوره ماد چگونه می‌توان این موارد را پیاده کرد؟ در دوره ماد چندین فرهنگ و قومیت متفاوت در حال نزاع‌های سیاسی با یکدیگر بودند. در متون آشوری به این مسأله به کرات اشاره شده است. اما تصور مفهوم «وجود آمال مشترک و پیوندهای عاطفی شدید» برای این اقوام که منجر به یکسان شدن اقوام جدا از هم مادی شده باشد، بسیار سخت است؛ همین مسأله ترسیم قلمرو سیاسی را برای

دولت ماد و همسایگانش مشکل کرده است. ما نه از زبان مادها اطلاعی در دست داریم و نه از اشتراکات فرهنگی و قومیتی اقوام متحد شده مادی مطلع هستیم، بنابراین ما با «فقدان تطابق فضایی میان کشور ماد با ملت تحت تابعیت خود» روبرو هستیم که مسأله ترسیم قلمرو آن‌ها را با مشکل مواجه می‌کند (با توجه به اینکه در دوره هخامنشی این مسأله کم‌رنگ‌تر شده و علاوه بر این وجود خط نوشتاری دولتی و منابع غربی و شرقی متعدد در شناخت جغرافیای سیاسی آن‌ها کمک زیادی کرده‌اند).

۲- **رابطه نام مکان‌ها با گروه‌های زبانی و نام اشخاص در دوره ماد:** در اینجا داده‌های مکانی برآمده از نام‌های شخصی و اسامی جغرافیایی مدنظر است. اصولاً نامگذاری واحدهای سیاسی و اجتماعی با توجه به مؤلفه‌های طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی صورت پذیرفته‌اند (احمدی‌پور ۱۳۸۲: ۱). از نیمه دوم هزاره دوم ق.م. ما با نام‌های بیگانه بسیاری در ایران (تقریباً خاک فعلی ایران) برخورد می‌کنیم که همزمان با دوره آشور نو هستند. آنچه مبهم است مقیاس این مهاجرت و بخش‌هایی از سرزمین است که تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند، زیرا نام‌های مادی در متون آشوری فقط آن دسته از جمعیت را باز می‌تاباند که به نظر آشوریان ارزش ثبت کردن داشتند، یعنی حکمرانان (لوین ۱۳۸۶: ۴۵۰). بنابراین این نام‌ها ضرورتاً ساختار جمعیت را نشان نمی‌دهند (با توجه به تراکم قومیتی در غرب ایران همزمان با مادها)؛ و از سوی دیگر بیش‌تر اطلاعات زبانی ما در ارتباط با غرب ایران است و در مورد دیگر مناطق ایران اطلاعی در دست نیست. از سوی دیگر تغییرات در اصطلاحات جغرافیایی بیانگر تغییرات پدید آمده در پایگاه جمعیتی و سیستم حکومتی است، زیرا نام‌های جغرافیایی بسیار دیرهنگام تغییر می‌کنند (مثل نام هگمتانه که ریشه‌اش بر تجمع گروه‌هایی از اقوام دلالت دارد)، اما آیا دیگر محوطه‌های مادی مثل نوشیجان، باباجان، سیلک، ازبکی و غیره نیز چنین دلالتی را تداعی می‌کنند؟ نام‌های افراد نیز الگوی ناپیوسته و متفاوتی دارند، برای مثال در هزاره اول ق.م. در ایران برای نخستین بار نام‌هایی دیده می‌شود که به تازگی مطرح می‌شوند، این نام‌ها نه فقط در



نواحی ماد و پارسوا بلکه در سرزمین الیپی نیز دیده می‌شوند؛ در هر صورت این نام‌ها نشان می‌دهند که در هزاره اول ق.م. گروه‌های جمعیتی جدیدی وارد ایران شده‌اند، با این حال تصویر حاضر یکپارچه نیست و در بیشتر نواحی مورد بحث ترکیبی از گروه‌های زبانی مختلف دیده می‌شود، و اظهار نظرها در این زمینه از روی حدس و گمان است؛ ولی ریشه‌شناسی نام‌ها نشان می‌دهد که ظاهراً بیشتر قسمت‌های شرقی‌تر جاده خراسان به شدت ایرانی شده است در حالیکه قسمت‌های غرب زاگرس اغلب چند زبانه است و در نواحی شمال و جنوب ایران (در دوره ماد) عناصر ایرانی کمتر است و یا اصلاً وجود ندارد (لوین ۱۳۸۶: ۴۵۳).

### برآیند

هر چند داده‌های باستان‌شناختی و مدارک نوشتاری حضور سیاسی مادها را تأیید می‌کنند ولی در انتساب قطعی محوطه‌ها به دوره ماد ابهامات و مشکلاتی وجود دارد. در خصوص سفال مادی باید گفت با وجود اثبات وجود سفال خاکستری و نخودی مادی در این دوره زمانی، از نظر مسائل مربوط به قوم‌نگاری قابلیت استناد قطعی را ندارد و مدارک قطعی‌تری را می‌طلبد.

نظریه ژان دهه درباره مادها که پیش از آمدن به غرب ایران می‌توانسته‌اند در شمال شرق ایران استقرار یابند، به حضور ایرانیان هند و اروپایی در هزاره چهارم ق.م. اشاره دارد؛ که این نیز با توجه به نبود محوطه‌های شاخص مادی در شرق ایران قابل رد است. در این زمینه دیاکونوف بر اساس مدارک زبان‌شناختی بیان می‌کند که در تا قرن ۷ ق.م. هیچ مدرکی که به زبان‌های ایرانی در منطقه شمال غرب ایران اشاره کند، وجود ندارد (دیاکونوف ۱۳۸۷، ۷۲). هر چند منابع آشوری به تصرف مناطق مرکزی ایران متعلق به مادها توسط آشوری‌ها اشاره می‌کنند اما آنچه در دست ماست، داده‌های مربوط به آثار فرهنگی - و نه جغرافیای سیاسی - است و بنا به گفته برونو جنیتو مدارک باستان‌شناختی برای اثبات حضور تاریخی مادها کافی نیست و نباید شاخصه‌های فرهنگی را ملاک تشکیل و تأیید یک دولت و یا امپراطوری دانست (جنیتو ۱۳۷۷: ۲۴).

یکپارچگی قبایل مادی که آن را عامل پیروزی بخش در برابر آشور می‌دانند به احتمال زیاد دیرهنگام صورت گرفته است، زیرا آمیختگی جمعیت، شرایط خاک، موقعیت جغرافیایی و اوضاع آب و هوایی متفاوتی بر ایران حاکم است؛ ایران فاقد رودهای عظیمی چون نیل یا دجله و فرات است؛ ایران تراکم جمعیتی زیادی دارد؛ تنوع خاک باعث ایجاد انواع زندگی در هر ناحیه شده و این در ترسیم نقشه سیاسی باید مد نظر قرار گیرد، زیرا یکپارچگی دیرهنگام خود دلیلی است بر گسترش دیرهنگام مرزهای دولت ماد در غرب، شرق، شمال غرب و جنوب (گیرشمن ۱۳۸۵: ۱۲۱).

از منابع آشوری چنین بر می‌آید که قلمرو سیاسی مادها به مناطق بسیار تقسیم شده بود و سازمان‌بندی قبیله‌ای نقش مهمی را در شکل‌گیری روند سیاسی - نظامی جامعه مادی ایفا می‌کرده است. از نظر اقتصادی نیز این اقوام (در قلمرو سیاسی ماد) در حال تحرک و مهاجرت‌های فصلی بودند (نشانه آن کشف گورستان‌های متعدد در عصر آهن III) و تنها پس از استقرار دائم است که پایبند به اقتصاد کشاورزی شدند، چرا که فراوانی تصاویر حیوانات بزرگ شاخ دار بر روی ظروف آن دوران، از اهمیت دامداری برای مردم حکایت می‌کند. در خصوص انتساب قطعی سفال خاکستری و نخودی با ذرات میکا به مادها کاری مشابه انتساب «سفال خابور» به اقوام هوری است که اخیراً هم این مورد و هم کل عمل انتساب یک گروه از آثار فرهنگی و از جمله سفال، به قوم مشخصی مورد تردید قرار گرفته است (عبدی ۱۳۷۳). مادها توانستند با اتحاد قبایل یکجانشین در قرن ۶ ق.م. حکومتی نسبتاً منسجم را تشکیل دهند، اما آن‌ها هرگز آنگونه که معیارهای سیاسی - تاریخی ایجاب می‌کنند به صورت یک امپراطوری به معنای واقعی کلمه در نیامدند (عبدی ۱۳۷۳: ۳۵). انتساب سنجاق قفلی‌های مفرغی که از محوطه‌های مادی باباجان، نوشیجان و گودین بدست آمده‌اند، جای سوال است. این اشیاء در نقوش برجسته تخت جمشید نه در پوشاک مادها، بلکه بر روی پوشاک

۱- در ادبیات باستان‌شناسی، اقتصاد مبتنی بر کشاورزی یکی از عوامل یکجانشینی و زمینه اتحاد اقوام و حرکت آن‌ها به سوی تشکیل دولت ذکر شده است.





اقوام آناتولیایی دیده می‌شود و در ترکیب پوشاک مادی سنجاق قفلی هیچ گاه دیده نشده است.<sup>۱</sup>

در نهایت اینکه پس از فروپاشی امپراطوری آشور تغییرات مهمی در جغرافیای سیاسی منطقه خاور نزدیک بوجود آمد که در جریان آن، منطقه بین‌النهرین یا همان آشور بین دو دولت ماد و بابل نو تقسیم شد و نوار در امتداد کوه‌های زاگرس سهم مادها شد، فروپاشی آشور موجب خلاء قدرت در نواحی غرب ایران شد، ولی برای پذیرش جانشینی مادها در همه مناطق تحت تصرف آشور باید از قلمرو و جغرافیای سیاسی آن‌ها نیز سخن گفت و نقشه سیاسی ماد را با یافته‌های جدید باستان‌شناختی تطبیق داد، هر چند نمی‌توان گستره سیاسی را با گستره فرهنگی یکی دانست، اما از آنجا که نظریات باستان‌شناختی در مورد پیدایش و گسترش مادها، عمدتاً بر پایه همین آثار فرهنگی است، بنابراین ناگزیر هستیم همین معیارها را برای سنجش و پایش نظریاتمان بکار گیریم. ممکن است مادها کمتر از آنچه ما تصور می‌کنیم تغییراتی در سیاست و فرهنگ منطقه ایجاد کرده باشند، چرا که آن‌ها طی حرکتی تدریجی وارد منطقه فلات ایران شده‌اند و روند تدریجی در مدارک باستان‌شناختی چندان مشهود نیست و منابع نوشتاری این دوره نیز اطلاعات کافی در این زمینه به دست نمی‌دهند.

بر این اساس می‌توان مواردی را به عنوان چالش و ابهام در خصوص بحث تعیین مرزهای دولت ماد مطرح نمود: ۱- عدم تطبیق منابع تاریخی و داده‌های باستان‌شناختی در خصوص مادها. ۲- نظریات ارائه شده در مورد اشیاء و محوطه‌های مادی که منسوب به آن‌ها هستند به طور قطعی تأیید نشده‌اند. ۳- با توجه به مدت زمان حکومت مادها و اینکه آن‌ها را پیش در آمد هنر و سیاست هخامنشیان معرفی می‌کنیم، طبیعتاً باید آثار قطعی‌تر و محکم‌تری از آن‌ها بجا می‌ماند. ۴- تردیدی کلی نسبت به مکان و چگونگی کشفیات متعددی که منسوب به مادها هستند وجود دارد. ۵- نه هنر درباری از مادها مانده و نه هنر مردمی خاص منسوب به آن‌ها. ۶- در مورد گزارش‌های هرودوت نیز باید گفت که روایت‌های وی

ابهامات بسیاری دارد که در صورت پذیرش می‌بایست شواهدی برای اعتباربخشی به آن‌ها در دست داشته باشیم. وجود این کاستی‌ها به معنی عدم حضور سیاسی آن‌ها به عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای نیست، اما همچنان تردید جدی در موجودیت مادها «به عنوان یک امپراطوری» وجود دارد، از طرفی منابع این دوره دارای تناقضات و تفاوت‌هایی در ارائه اطلاعات هستند و از طرف دیگر اطلاعات متون<sup>۲</sup> و داده‌های باستان‌شناختی نیز برای بحث بیشتر پیرامون تاریخ دوره ماد امکان جولان بیشتر را نمی‌دهند. آنچه استنباط می‌شود اینست که جغرافیای سیاسی ماد در مرز آشور تا حدی شناخته شده است ولی هر چه به سمت شرق حرکت می‌کنیم از وضوح آن کاسته می‌شود.

آنچه از جمع‌بندی منابع متقدم و متأخر بدست می‌آید اینست که قلمرو نهایی دولت ماد شامل رود ارس در شمال، دشت کویر در شرق، بابل در غرب و عیلام در جنوب (بر اساس متون تاریخی و کتیبه‌ها) است. آنچه مسلم است موارد ذکر شده فرضیاتی هستند که تأیید یا رد آن‌ها در گرو انجام مطالعات بیشتر باستان‌شناسی و تاریخی است. بنابراین با توجه به مدارک و داده‌های حاصل از مادها، منطقی است که ماد را بیش‌تر یک «دولت فرهنگی» بدانیم تا یک «دولت سیاسی»<sup>۳</sup>؛ مدارک بدست آمده از مادها نیز این نظر را تأیید می‌کنند: عباراتی همچون «قانون مادی»، «دشنه مادی»، «پوشاک مادی»، و «داریوش مادی»<sup>۴</sup> بیانگر لزوم توجه به جنبه‌های مادی این دولت است، هر چند که توجه بیش‌تر به این موارد به معنای نادیده گرفتن اهمیت و نقش سیاسی مادها در قرن ۷ و ۶ ق.م. نیست، اما باید قبول کنیم که با همه تلاش‌هایی که برخی محققان برای دادن جنبه‌های بین‌المللی به مادها انجام داده‌اند، نتیجه قابل توجهی در پی نداشته است. پیدا شدن تیغ مادی، آجر لعابدار، سفال

۲- در این منابع دوره ماد از قرن ۹-۶ ق.م. متغیر است.

۳- منظور از این اصطلاح عدم بکارگیری اصطلاحاتی همچون امپراطوری یا پادشاهی برای مادهاست، و بیان دولتی «فرامنطقه‌ای» برای مادها می‌تواند به حقیقت نزدیک‌تر باشد.

۴- اشاره به اینکه یونانیان تا مدت‌ها در برخورد با هخامنشیان از اصطلاحات «جنگ‌های مادی» و یا «سیاه مادی» استفاده می‌کرده‌اند، در حالی که آن‌ها هیچ گاه با مادها برخوردی نداشته‌اند (عبدی ۱۳۷۳: ۲۵).

عصر آهن III و مواردی این چنینی برای ترسیم و بازآفرینی قلمرو سیاسی دولت ماد کافی نیست و نباید صرفاً با اتکاء به آن‌ها نتایج کلی گرفته شود. بنابراین لازمه دست یافتن به مقصود (اثبات وجود پادشاهی ماد) ارائه مدارک زبان‌شناختی و نوشتاری است. اشارات کوتاه و

## منابع

### فارسی

احمدی‌پور، زهرا، ۱۳۸۲، «تحلیلی بر سیر نامگذاری واحدهای سیاسی در ایران» مجله مدرس علوم انسانی، دوره ۷، شماره ۲، صص ۱-۲۱.

بهنام، عیسی، ۱۳۵۲، «برنزه‌های لرستان و ارتباط احتمالی آن با مذهب مهر در دوره مادها» مجله هنر و مردم، شماره ۱۲۷، صص ۲-۷.

پیوترووسکی، یوریس، ۱۳۸۱، اورارتو، ترجمه رشید برناک، تهران: نشر اندیشه نو.

جلیلیان، شهرام، ۱۳۸۳، «روابط ماد و لیدی»، مجله رشد آموزش تاریخ، سال ۵، شماره ۱۵، صص ۱۸-۲۳.

جمور، یحیی، ۱۳۸۶، اطلس ملی ایران (عمومی)، تهران: سازمان نقشه برداری کشور.

جنیتو، برونو، ۱۳۷۷، «آثار فرهنگی مادها: محدوده‌ها و افق‌ها در پژوهش‌های باستان‌شناختی»، ترجمه کریم علیزاده، مجله باستان پژوهی، شماره ۳، صص ۲۴-۳۲.

دایسون، رابرت و توماس کایلر یانگ، ۱۳۸۸، «مجموعه تمدن‌های دشت سولدوز»، در: مجموعه مقالات تمدن‌های دشت سلدوز (اشنویه و نقده)، ترجمه صمد علیون و علی صدرائی، تهران: گنجینه هنر، سازمان میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی.

دیاکونوف، ایگور میخایلوویچ، ۱۳۸۷، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.

روف، مایکل، ۱۳۸۹، «نو یافته‌های باستان‌شناسی دوره ماد در

جسته و گریخته برخی منابع بابلی، آشوری و سریانی به کلمه ماد، لزوماً به وجود دولتی با قدرت سیاسی فرمانطقه‌ای و بین‌المللی اشاره نمی‌کند؛ حتی در خصوص همین کاربرد کلمه ماد<sup>۱</sup> در منابع آشوری نیز ابهامات زیادی مطرح است که تکیه صرف بر این منابع بر مبهم شدن بیش‌تر «مسأله ماد» می‌افزاید.

خارج از مرزهای کنونی ایران»، مجله باستان پژوهی، شماره ۶، صص ۱۳۴-۱۳۲.

سجادی، امیر، ۱۳۹۰، «جغرافیای تاریخی زیویه با تأکیدی بر دوره مادها»، مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۶۳، صص ۴۸-۴۴.

سرفراز، علی‌اکبر و بهمن فیروزمندی، ۱۳۸۶، باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی، تهران: نشر مارلیک.

شکوئی، حسین، ۱۳۸۳، فلسفه جغرافیا، تهران: نشر گی‌تاشناسی.

فیروزمندی، بهمن و ایرج رضایی، ۱۳۸۷، «گور تپه میداس»، مجله باستان پژوهی، شماره ۱۶، صص ۶۰-۴۷.

کلایس، ولفرام، ۱۳۸۸، باستان‌شناسی آذربایجان از دوره اورارتو تا شروع اشکانی، ترجمه محمد فیض خواه و صمد علیون، تبریز: نشر اختر.

کیناست، بورکهاث، ۱۳۸۳، «آنچه امپراطوری ماد خوانده می‌شود»، ترجمه کریم علیزاده، گزارش‌های باستان‌شناسی (۳)، به کوشش جمشید حیدری، تهران: نشر پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور.

گرشویچ، ایلیا، ۱۳۸۷، تاریخ ایران دوره ماد (ا. م. دیاکونوف)، ترجمه بهرام شالگونی، تهران: نشر جامی.

گیرشمن، رومن، ۱۳۸۵، تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه

۱- از جمله اینکه: آباد منظور از ماد قومی خاص است یا اشاره به منطقه‌ای خاص و یا اشاره به حکومتی خاص؟؟





محمود بهفروزی، تهران: نشر جامی.

معتمدی، نصرت‌الله، ۱۳۷۴، «زیویه قلعه‌ای ماننای - مادی»، مجموعه مقالات کنگره معماری و شهرسازی ایران، بهم، جلد اول، تهران: نشر سازمان میراث فرهنگی کشور.

گیرشمن، رومن، ۱۳۷۹، سلیک کاشان، جلد اول، ترجمه اصغر کریمی، تهران: نشر پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور.

مویر، ریچارد، ۱۳۷۹، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره‌میر حیدر، تهران: نشر سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

لوین، لوئیس، ۱۳۸۶، «عصر آهن»، در: باستان‌شناسی غرب ایران، ویراستار: فرانک هول، ترجمه زهرا بایستی، تهران: انتشارات سمت، صص ۴۸۹-۴۴۸.

نظریان، اصغر، ۱۳۷۲، «تاریخ و دیدگاه‌های پیدایش شهر و شهرنشینی»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره‌های ۲ و ۳، صص ۱۴۳-۱۱۷.

عبدی، کامیار، ۱۳۷۳، «وارسی دوره ماد (قسمت اول)»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۸، شماره ۱، صص ۲۸-۱۵.

هرودوت، ۱۳۳۶، تاریخ هرودوت، ترجمه هادی هدایتی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

«—————»، ۱۳۷۳، «وارسی دوره ماد (قسمت آخر)»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۸، شماره ۲، صص ۳۵-۱۹.

هلم، بیتون، ۱۳۸۳، «مدیکوس لوگوس هرودت و تاریخ ماد»، ترجمه عسکر بهرامی، مجله نامه پارسی، شماره ۳، صص ۱۳۲-۱۱۹.

مجیدزاده، یوسف، ۱۳۸۲، گزارش سومین فصل حفاریات در محوطه باستانی ازبکی، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی، سازمان میراث فرهنگی کشور.

#### غیرفارسی

Boucharlat, R., Francfort, H. and Lecomte, O., 2005, "The Citadel of Ulug Depe and the Iron Age Archaeological Sequence in Southern Central Asia", *Iranica antiqua XI*: 479-517.

ملک‌زاده، مهرداد، ۱۳۷۶، «نگاهی به دوره و سبک ناشناخته مادی در تاریخ معماری و شهرسازی ایران»، مجموعه مقالات کنگره معماری و شهرسازی ایران، بهم، جلد اول، تهران: نشر سازمان میراث فرهنگی کشور.

Fujii, H., 1981, "Excavation in Iraq", *Iraq* 43(2): 73-172.

«—————»، ۱۳۸۰، «یادداشت‌هایی بازگون درباره تاریخ و باستان‌شناسی دوره ماد»، مجله باستان‌پژوهی، شماره ۸، صص ۲۲-۱۰.

Herzfel, E., 1941, *Iran in The Ancient Neareast*, Oxford University Press, London.

«—————»، ۱۳۸۱، «پایان نبرد پنج ساله ماد و لودیه و خورشید گرفتگی ۵۸۵ ق.م»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۱۶، شماره ۲، صص ۲۵-۳.

Kent, R. G., 1953, *Old Persian Grammar, Texts, Lexicon*, New Haven.

«—————»، ۱۳۸۲، «بنای سنگی زارباغ قم، نیایشگاهی (؟) از دوره ماد»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۱۷، شماره ۲، صص ۶۴-۵۲.

Luckenbill, D. D., 1927, *Ancient Records of Assyria and Babylonia II: Historical Records of Assyria from Sargon to the End*, Chicago, University of Chicago Press.

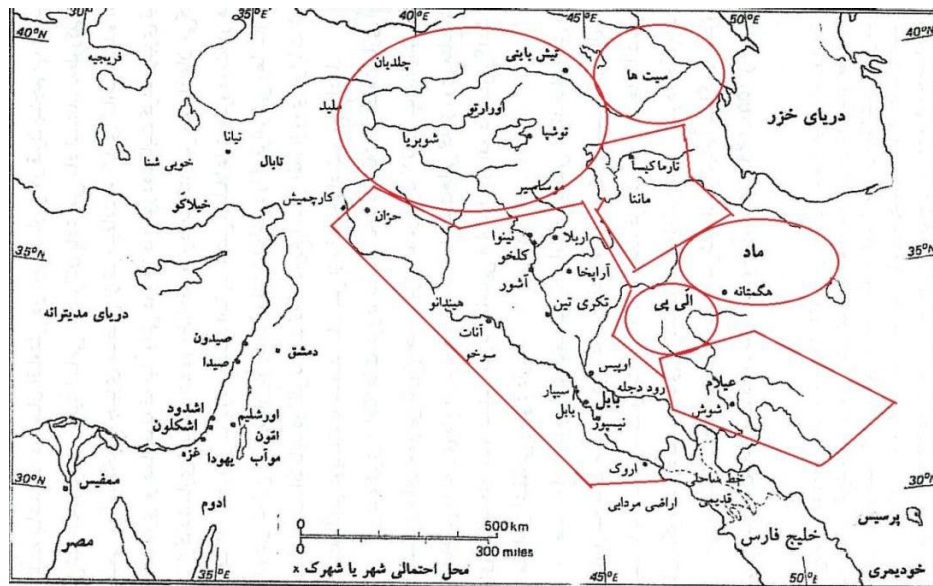
Lie, A. G., 1929, "The Inscription of Sargon II King of Assyria", *The Annals Paris, Annals of Room II*, Lines: 101-109.

«—————»، ۱۳۸۳، «بنای سنگی واسون کهک، سازه‌ای از دوره ماد»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره ۲، صص ۵۱-۴۲.

Stronach, D., and Roaf, M., 1978, Excavation at Tepe Nushi-I Jan: part I., A Third Interim Report, *Iran XVI*: 1-11.

جدول ۱: دولت‌های همزمان با مادها بر اساس منابع مکتوب (سرفراز و فیروزمندی ۱۳۸۶: ۹).

دولت‌های همسایه ماد	زمان حکومت	قلمرو تحت حکومت	حوادث مرتبط با مادها
ماناها	۶۰۰-۸۴۳ ق.م.	قسمت جنوبی دریاچه ارومیه	نام دولت ماد در لشکرکشی شلمانصر سوم آمده است.
البی‌ها	قرن ۸ ق.م.	لرستان و بخشی از کرمانشاه امروزی	به گزارش شلمانصر در ۷۱۳ ق.م. جزو ماد شده است.
سکاهای قفقاز	قرن ۷ ق.م. - ۴ ق.م.	قفقاز و آذربایجان	سلطه سیاسی بر ماد ۶۲۵-۶۵۲ ق.م.
ایلامیها	۵۵۰-۳۲۰ ق.م.	خوزستان و لرستان کنونی تا دجله در غرب و اصفهان در شرق	—
آشوری‌ها	۶۱۲-۹۳۴ ق.م.	شامل بین‌النهرین شمالی و جنوبی	فتح آشور توسط مادها در اوایل قرن ۶ ق.م.
بابل نو	قرن ۶ و ۷ ق.م.	بین‌النهرین جنوبی	اتحاد با ماد در براندازی دولت آشور
لیدیها	قرن ۶ و ۷ ق.م.	مناطق غربی آناتولی	جنگ ماد و لیدی در ۵۸۵ ق.م.
اورارتوها	۶۰۰-۱۲۰۰ ق.م.	شمالغرب ایران، قفقاز، شرق و شمال ترکیه	تصرف محوطه‌های اورارتویی در شمالغرب ایران بدست مادها



نقشه ۱: موقعیت نسبی حکومت‌های شرق نزدیک قبل از گسترش دولت ماد (دیاکونوف، ۱۳۸۷: ۱۹۲).

جدول ۲: حوادث مهم دوره حکومت مادها (سرفراز و فیروزمندی ۱۳۸۶: ۱۸).

تقسیم بندی زمانی	شاهان مادی	حوادث مهم
۶۵۳ - ۶۷۸ ق.م.	فرورتیش	ماد درگیر حملات آشور
۶۲۵ - ۶۵۳ ق.م.	دوره سکایی	دوره حاکمیت سیاسی سکاهای بر دولت ماد
۵۸۵ - ۶۲۵ ق.م.	هوخشتره	آغاز فتوحات، فتح سرزمین مانا، سکاهای و بخشی از اورارتو
۵۵۰ - ۵۸۵ ق.م.	ایشتوویگو	درگیر جنگ داخلی با دیگر اقوام مثل پارسیها

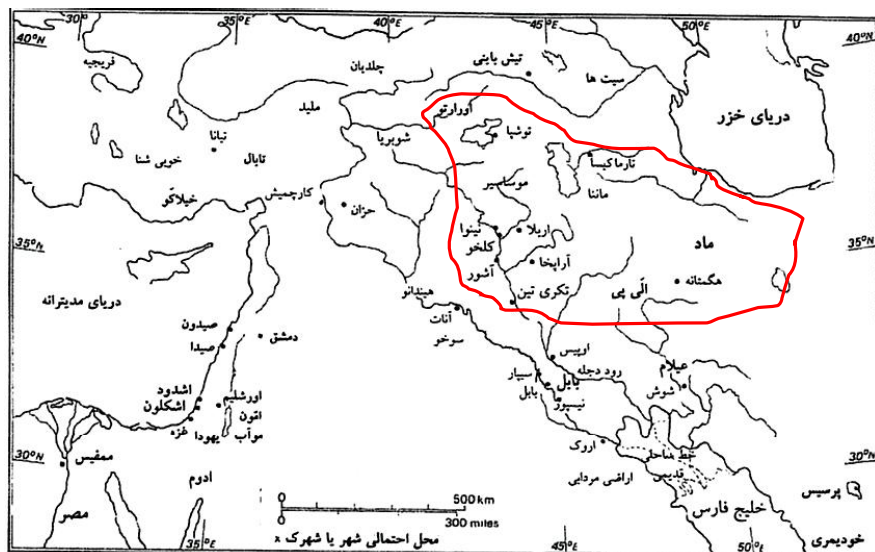
جدول ۳: شاخص‌های فرهنگی محوطه‌های مادی (ترسیم از: نگارنده).

منبع	شاخصهای فرهنگی عصر آهن ۳							محوطه‌های مادی
	۱- سفال خاکستری و نخودی	۲- صدف یا حصار سنگی و خشتی	۳- نیایشگاه و آتشدان	۴- سنجاق قفلی مفرغی	۵- تالار ستوندار	۶- پنجره های کاذب	۷- انبار مستطیل شکل	
دایسون و یانگ، ۱۳۸۸								حسنلو
Stronach & Roof, 1978								نوشیجان
ملک زاده، ۱۳۸۵								کلاک
گیرشمن، ۱۳۸۵								زیویه
ملک زاده، ۱۳۸۲								زاربلاغ
ملک زاده، ۱۳۸۲								واسون
گیرشمن، ۱۳۷۹								سیلک
حاکمی، ۱۳۲۹								خوروین
پوربخشنده، ۱۳۸۱								صرم
سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۶								گنجینه جیحون
یانگ، ۱۹۶۵								گودین تپه
کلرگاف مید، ۱۹۶۳								بابا جان تپه
مجیدزاده، ۱۳۸۲								تپه ازبکی
مهربار و کبیری، ۱۳۶۵								دلایان سمنان
Fujii, 1981								تل قبه عراق
روفه، ۱۳۸۹								هویوک تپه
Boucharlat et al. 2005								الغ تپه
روفه، ۱۳۸۹								کرکنس داغ



نقشه ۲: پراکنندگی محوطه‌های شاخص دوره ماد بر اساس کاوش‌های باستان‌شناسی (جمور ۱۳۸۶: ۵) ترسیم: نگارنده

۱- سیلک ۲- بابا جان ۳- تل قبه ۴- هویوک تپه ۵- حسنلو ۶- زیویه ۷- الغ تپه ۸- نوشیجان تپه ۹- صرم ۱۰- واسون ۱۱- خوروین ۱۲- گودین تپه ۱۳- بابا جان ۱۴- تپه ازبکی ۱۵- دلایان سمنان ۱۶- کرکنس داغ



نقشه ۳: گسترش نهایی قلمرو دولت ماد در قرن ۶ ق.م. (گرشویچ ۱۳۸۷: ۱۹۲).